

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar» .
منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچالین «2026-05-04» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

پکن با تحریم‌های آمریکا علیه پالایشگاه‌ها مقابله می‌کند

Beijing confronts US sanctions on refineries



کودکان در حال بازی با کشتی‌های فله‌بر هستند، کشتی‌های باری در تنگه هرمز، در نزدیکی بندر عباس، ایران، ۲۶ آوریل ۲۰۲۶.

در ظرف شش روز پس از آنکه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، توصیه اکیدی کرد که از مسیر جنگ در ایران - به ویژه هرگونه طرح وحشیانه برای حمله زمینی - دست بردارد، پکن با رد تحقیرآمیز اقدام آمریکا برای تحریم پالایشگاه‌های نفت چین، وارد صحنه شد.

آنچه اقدام پکن را متمایز می‌کند این است که دستور اجباری آن به پالایشگاه‌های سراسر کشور برای سرپیچی/نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا در مورد تأمین نفت ایران، وضعیت پیرامون ایران را به ژئوپلیتیک نفت مرتبط می‌کند و ادعاهای دروغین ترامپ مبنی بر

اینکه همه چیز مربوط به نگرانی‌های عدم اشاعه هسته‌ای ایالات متحده است را رد می‌کند. (به وبلاگ من با عنوان «آتش‌بس در جنگ ایران به هدف آمریکا خدمت کرد»، *Indian Punchline*، ۳ مه ۲۰۲۶ مراجعه کنید)

پکن پس از مشاهده و مطالعه دقیق پیامدهای تجاوز بی‌وقفه آمریکا و اسرائیل علیه ایران از اواخر فوریه که با هدف از بین بردن ظرفیت این کشور برای دفاع از خود و وادار کردن آن به تسلیم به دلایل ژئوپلیتیکی انجام شد و به ایالات متحده امکان کنترل منابع معدنی عظیم آن، به ویژه نفت و گاز را داد، اولین اقدام مهم خود را در مورد وضعیت ایران انجام داد.

جای تعجب نخواهد بود اگر پکن الگویی غیرقابل انکار را در اینجا ببیند که با تصرف ذخایر عظیم نفت ونزوئلا توسط ایالات متحده در کمتر از سه ماه پیش آغاز شد. تمرکز ایالات متحده بر جزیره خارک (پایانه‌های نفتی ایران) و محاصره بنادر ایران خود گویای همه چیز است.

چه تصادفی باشد چه نباشد، چین برای چندین سال منتهی به ۲۰۲۶، خریدار اصلی و شماره یک نفت خام ونزوئلا بوده است و اغلب بخش قابل توجهی از صادرات نفت خام این کشور را تشکیل می‌دهد. وقتی صحبت از ایران می‌شود، چین خریدار اصلی و برتر نفت ایران است و تقریباً ۹۰ تا ۹۱ درصد از کل صادرات نفت خام ایران را تا اوایل سال ۲۰۲۶ به خود اختصاص می‌دهد.

علیرغم تحریم‌های ایالات متحده، پالایشگاه‌های مستقل موسوم به «تی‌پات» در چین به نفت تخفیف‌دار ایران متکی هستند. چین تحریم‌های ایالات متحده بر این خریدها را رد کرده و به همکاری مشروع در زمینه انرژی تحت یک توافق استراتژیک ۲۵ ساله استناد کرده است. لحظه تعیین‌کننده‌ای در این ماه فرا رسید، زمانی که تحریم‌های ایالات متحده علیه پنج پالایشگاه نفت چینی به دلیل خرید نفت ایران - شرکت پتروشیمی هنگلی و چهار «تی‌پات» پالایشگاهی شاندونگ جینچنگ، هبی شینه‌های، شوگوانگ لوکینگ و شاندونگ شنگشینگ - به اجرا درآمد.

روز شنبه، پکن با استناد به «دستور منع» وزارت بازرگانی [MOFCOM] که اعلام می‌کرد تحریم‌های ایالات متحده توسط هیچ پالایشگاهی در سراسر چین به رسمیت شناخته، اجرا یا رعایت نخواهد شد، واکنش نشان داد. این نشان دهنده تشدید تنش بزرگی است که در آن پکن از ابزارهای قانونی برای جلوگیری از تحریم‌های ایالات متحده استفاده می‌کند، در عین حال تأکید می‌کند که اقدامات واکنش‌گرا نقض قوانین بین‌المللی است و امنیت ملی چین را تهدید می‌کند.

از نظر فنی، این به دولت ترامپ بستگی دارد که تحریم‌های خود را با توقیف تانکرهای حامل نفت ایران به سمت چین اجرا کند، اما این یک اقدام خطرناک و مملو از

خطر واقعی رویارویی با پکن خواهد بود که حتی ممکن است منجر به تشدید تنش از سوی چین مانند استقرار نیروی دریایی چین برای اسکورت تانکرهایی که از بنادر ایران به مقصد چین حرکت می‌کنند، شود. هر چقدر هم که این ایده دور از ذهن به نظر برسد، واقعیت این است که خطرات برای امنیت انرژی چین زیاد است.

قابل توجه است که گزارش گلوبال تایمز در مورد دستور MOFCOM تأکید کرد که «این اقدام با هدف حفاظت از حاکمیت ملی، امنیت و منافع توسعه و محافظت از حقوق و منافع مشروع شهروندان چینی، اشخاص حقوقی و سایر سازمان‌ها انجام شده است... این تصمیم در چارچوب قانون امنیت ملی چین، قانون روابط خارجی، قانون ضد تحریم‌های خارجی گرفته شده است...»

نکته قابل توجه این است که در تفسیر روزنامه مردم که توسط گلوبال تایمز بازنشر شده، آمده است: «این اقدام گامی مهم برای ابزارهای حقوقی مرتبط با امور خارجی چین است تا از چارچوب نهادی به اجرای عملی منتقل شوند. چین با بهره‌گیری از قدرت حاکمیت قانون، پاسخی هدفمند به صلاحیت قضایی فرادستی ایالات متحده ارائه داده است. این اقدام از حقوق و منافع مشروع شرکت‌های چینی دفاع می‌کند و در عین حال به فراخوان گسترده جامعه بین‌المللی برای مخالفت با هژمونی توجه دارد و عدالت را به تلاش‌ها برای حفظ نظم اقتصادی بین‌المللی تزریق می‌کند... این اقدام... نمونه‌ای عملی برای جامعه بین‌المللی ارائه می‌دهد تا در برابر قلدری یکجانبه مقاومت کند و با «صلاحیت قضایی فرادستی» مخالفت کند. این امر مسئولیت چین را به عنوان یک کشور بزرگ در حفظ عدالت و دفاع از نظم نشان می‌دهد.»

وقتی صحبت از «صلاحیت قضایی فرادستی» می‌شود، روسیه نیز در موضع دریافت‌کننده بوده است، اما تاکنون موضعی منفعلانه اتخاذ کرده و آن را بیشتر به عنوان الگویی از درگیری اوکراین در نظر گرفته است. ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، روز یکشنبه گفت که نیروهای اوکراینی دو کشتی دیگر متعلق به اصطلاح «ناوگان سایه» روسیه که برای حمل نفت استفاده می‌شد را در آب‌های نزدیک ورودی بندر نووروسیسک در جنوب روسیه هدف قرار داده‌اند. زلنسکی تهدید کرد که قابلیت‌های دوربرد اوکراین همچنان در دریا، هوا و زمین برای انجام چنین عملیاتی علیه روسیه توسعه خواهد یافت.

اما شرایط متفاوت است. به اصطلاح «ناوگان سایه» روسیه در منطقه خاکستری تجارت غیررسمی خارج از حوزه حقوق بین‌الملل قرار دارد و مسکو می‌داند که اوکراینی‌ها به عنوان نمایندگان قدرت‌های غربی عمل می‌کنند. روسیه همچنین فاقد قدرت دریایی برای تأمین امنیت نفتکش‌ها است و در هر صورت، کشتی‌های «ناوگان سایه» زیر پرچم روسیه پرواز نمی‌کنند.

با این وجود، یک پس‌زمینه سیاسی و دیپلماتیک برای این اقدام چین وجود دارد. اول از همه، از نظر سیاسی، این تحول بر سفر رسمی ترامپ به چین که قرار است در ماه مه

انجام شود، سایه می‌اندازد. دوم، در نگاهی وسیع‌تر، چین احساس می‌کند که قصد ترامپ در ایران می‌تواند نوعی «غارت نفت» در ونزوئلا در ژانویه باشد که پیامدهایی برای امنیت انرژی و زنجیره تأمین چین دارد. سوم، ایالات متحده می‌تواند در حال سنجش واکنش چین باشد و موضع قاطع پکن ضروری است. این نیاز به توضیح دارد.

واقعیت این است که «معضل مالاکا»ی قدیمی همچنان چین را آزار می‌دهد. در ماه آوریل، ایالات متحده و اندونزی یک همکاری دفاعی بزرگ را نهایی کردند که شامل دسترسی عملیاتی گسترده‌تر هواپیماهای نظامی آمریکایی به حریم هوایی اندونزی و افزایش قابل توجه قابلیت‌های نظارتی ایالات متحده بر تنگه حیاتی مالاکا می‌شود. این اقدام استراتژیک، که پس از یک طرح لغو شده گزارش شده برای دسترسی «همه‌جانبه» گسترده‌تر انجام شد، کنترل ایالات متحده بر یک گلوگاه کلیدی را که تقریباً 40٪ از تجارت جهانی و 80٪ از واردات نفت چین را مدیریت می‌کند، به ویژه در بحبوحه تنش‌ها در تنگه هرمز، افزایش می‌دهد. چهارم، اگر جریان نفت از ایران قطع شود، همراه با اختلال در زنجیره تأمین از کل منطقه خلیج فارس، وابستگی چین به نفت روسیه افزایش می‌یابد. در نهایت، سوال بزرگ این است که آیا چین می‌تواند بدون تنگه هرمز دوام بیاورد؟

تحلیل اخیر رویترز به این نتیجه رسیده است که چین، که بزرگترین واردکننده نفت جهان از طریق تنگه هرمز است،

"به طور متناقضی، یکی از بهترین کشورها برای تحمل بسته شدن این آبراه نیز هست." به طور اساسی، رویترز گزارش داد که به لطف سال‌ها اقدامات سیاسی، چین "آسیب‌پذیری خود را در برابر شوک‌های انرژی کاهش داده است." یکی از محورهای اصلی این اقدامات سیاسی "تلاش برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی دریایی" بوده است. سایر اقدامات شامل ناوگان خودروهای برقی "به بزرگی تقریباً به اندازه ذخایر نفتی گسترده و رو به رشد سایر نقاط جهان، منابع متنوع نفت و گاز و شبکه برقی است که به لطف زغال سنگ داخلی و انرژی‌های تجدیدپذیر تقریباً از واردات مصون است." تحلیل رویترز اینجاست

..... **با تقدیم احترامات (24-05-2026)**

.....